



گفتمان مشروطیت

انقلاب مشروطیت به عنوان یکی از حوادث بزرگ **تاریخ معاصر ایران**، به لحاظ تاثیر عمیق و ماندگارش در **سیاست و فرهنگ** این سرزمین، نقطه عطف مهمی در تاریخ کشور من به حساب می‌آید که پیوسته سبب شده تا حجم عظیمی از پژوهش‌ها و تحقیقات تاریخی را به خود اختصاص دهد. گذشت زمان نه تنها از اهمیت بحث درباره این رویداد مهم تاریخی نکاسته، بلکه موجب شده تا در راس حوزه مطالعاتی _ تحقیقاتی بسیاری از اندیشمندان قرار گیرد.

فهرست مندرجات

- ۱ - نظر به گفتمان
- ۲ - گفتمان مشروطیت
 - ۲.۱ - ظهور و برآمدن
 - ۳ - فرجام مشروطیت
 - ۳.۱ - افول مشروطیت
 - ۴ - پانویس
 - ۵ - منبع

نظریه گفتمان

از جمله روش‌هایی که اخیرا با استفاده از آن به بررسی وقایع و حوادث تاریخی واجتماعی و سیاسی و... می‌پردازند، روش و **نظریه گفتمان** می‌باشد. مطابق نظریه گفتمان، هر گفتمان یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه (signifier) های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر یک مجموعه معنادر را می‌آفرینند.

- [۱] حسینی زاده، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰.
- مجموعه‌ای که الزاما گزاره‌های زبانی نیستند. بلکه مجموعه‌ای گسترده از داده‌های زبانی و غیر زبانی را در بر می‌گیرد و با همه آنها به مثابه **متن** برخورد می‌کند.
- [۲] حسینی زاده، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۱.

گفتمانها دو کار انجام می‌دهند. آنها ابتدا به تولید **معنا** می‌پردازند و سعی می‌کنند معنای خود را بر دیگران که همان غیر می‌باشد برتری دهند و در ادامه به ساخت **جهان اجتماعی** بر اساس آن معنایی می‌پردازند که در این راستا با بهره گیری از نقاط قوت خود، از بی‌قراری‌ها و چالش‌های **گفتمان رقیب** بهره می‌جوید. و هر گفتمانی در این فرایند موفق شود، به **گفتمان هژمون** تبدیل می‌شود.

گفتمان مشروطیت

مشروطیت به مثابه گفتمان، ریشه در بی‌قراری (dislocation) و آشفتگی‌های فراگیر جامعه ایرانی قرن نوزدهم قرار داشت [۳] حسینی زاده، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۱.

که گفتمان سابق (**گفتمان سلطنت**) را قدرت بر ساماندهی این بی‌قراری‌ها نبود. این در حالی است که گفتمان‌ها برای تداوم هژمونی خود نیازمند **ساماندهی** بی‌قراری‌ها می‌باشند. گفتمان‌ها در امر ساماندهی بی‌قراری‌ها و حل آنها، نیازمند بازسازی تنوریک مداوم خویش از طریق بازتولید فضای استعاری و عام گرایانه می‌باشند، تا از این طریق بتوانند ضمن نمایندگی گروه‌های متنوعی از اجتماع، نیروهای اجتماعی متنوعی را پوشش دهند. در این میان گفتمانی که توانایی بازسازی تنوریک خود را نداشته باشد و در این امر بازماند، سرانجام در برابر موج فزاینده بی‌قراری‌های رو به رشد **جامعه**، سرفرود آورده و عرصه را به رقیبان واگذار خواهد کرد.

[۴] حسینی زاده، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۹.
در میان گفتمان‌های رقیب، نیز گفتمانی صلاحیت جایگزینی گفتمان افول کرده را دارد که از دو ویژگی در دسترس بودن (availability) و قابلیت اعتبار (credibility) برخوردار باشد.

گفتمان سلطنت در مواجهه با آشفتگی‌ها و بی‌قراری‌های سیاسی (ضعف در برابر غرب، سرکوب و **خونکامگی** داخلی)، اقتصادی (وابستگی به وام‌های خارجی، بزرگانی خارجی، نبود کنترل بر **گمرک**) و ایدئولوژیکی (آگاهی توده به اینکه دولت از حفظ **هویت** اسلامی و یا **منافع ملی** عاجز بوده است)

- [۵] فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹.
- توان آن را نداشت که به بازسازی تنوریک خود بپردازد به همین خاطر جای خود را به گفتمانی داد که در عین اینکه تنها برای افراد اندکی **ماهیت** و پیامدهای آن روشن بود،
- [۶] مجد الاسلام، احمد، تاریخ انحطاط مجلس، مقدمه و تحشیه، ترجمه محمود خلیل پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۶، ص ۲۳.
- در دسترس‌ترین گفتمانی بود که به لحاظ پشتیبانی کردن علما و **روحانیت** از آن از **اعتبار** کافی نیز برخوردار بود.

از آنجایی که «غیر» (other) در انسجام و هویت بخشی به گفتمان، نقشی اساسی ایفا می‌کند، علی‌رغم وجود نیروهای اجتماعی گوناگون و متفاوتی در **جنبش مشروطیت** نظیر «روشنفکران، روحانیان، پیشه‌وران، کارگران، بازرگانان و...»

[۱۴] فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲.
آنچه عامل **اتحاد** و انسجام آنها می‌شد، وجود یک «غیر» و **دشمن** مشترک تحت عنوان گفتمان سلطنت بود.

مشروطیت سلطنت **قاجار** به دلایل گوناگون زیر سوال رفته بود

[۱۵] فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹.

که برجسته کردن این عدم مشروطیت در مواضع و حرکت‌های سیاسی از سوی گروه‌های مختلف، زبان مشترکی بود که نیروهای مخالف از طریق آن به همدلی با هم‌گیر می‌پرداختند.

دشمن مشترک ضمن هویت دهی به نیروهای اجتماعی متکثر و گوناگون، سبب قرار گرفتن آنها در جبهه واحدی به نام «مشروطیت» می‌شود. **مشروطه خواهان** در ابتدا تنها خواهان یک چیز و آن هم نفی **نظام سیاسی** حاکم و نظام سلطنت بودند. دلیل بر این ادعا، آن است که مشروطه خواهان به هنگام نخستین **تحصن** در **حرم عبدالعظیم (علیه‌السلام)**، در خواسته‌های خود نامی از **مشروطه** به میان نیاورده بودند و فقط به پیشنهاد سفیر **عثمانی «مجلس عدالتخانه»** به خواسته‌های آنان افزوده شد.

[۱۶] کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۵۹.

و نخستین بار در **تحصن بزرگ سفارت انگلیس** بود که به جای عدالتخانه و آژ «مشروطه» بر سر زبانها افتاد.

[۱۷] سیاح، محمد علی، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۵۹۰.

در مجموع گفتمان سلطنت با توجه ناتوانی در بازسازی تئوریک خود، در ساماندهی بی‌قراری‌های موجود در جامعه ناتوان ماند و طیفی از مخالفین را در مقابل خود به صف کشاند که با توجه به ضعف **روسیه**، به لحاظ درگیری‌های داخلی و خارجی (جنگ با ژاپن) در آن زمان، و حمایت دولت انگلیس از مشروطه خواهان،

[۱۸] فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹-۲۷۰.

سرانجام در ۱۲ **مرداد** ۱۲۸۵ فرمان **مجلس شورای ملی**، صادر شد و در ۹ **دی قانون اساسی** به امضای **شاه** رسید.

فرجام مشروطیت

گفتمانها قبل از پیروزی خصلتی عام‌گرا و استعاری گونه دارند که سبب برانگیخته شدن گروه‌های زیادی به طرفداری از آنها می‌شود. در این مرحله گفتمانها با تفسیری علم از بحرانها، خود را به عنوان چارچوبی تعیین کننده برای مجموعه‌ای از تقاضاهای متنوع معرفی می‌نمایند و این ادعا را دارند که قادر به بازسازی همه حوزه اجتماعی (social imagination) هستند.

اما از آنجا که واقعیت اجتماعی پیچیده و متکثر است و در جامعه تقاضاهای گوناگون و فراوانی وجود دارد طبیعتاً بازنمایی همه آنها از سوی یک گفتمان امکان پذیر نمی‌باشد و گفتمان، ناگزیر در فرایند سیاست اجرایی، از حالت عام‌گرایی فاصله گرفته و به خاص‌گرایی و نمایندگی بخشی از جامعه روی می‌آورد.

گفتمان مشروطیت قبل از پیروزی، جامعه‌ای توسعه یافته را بازنمایی می‌کرد که سازگار با سنت‌های اسلامی و شیعی به نظر می‌رسید و این ادعا را داشت که در پی ایجاد سازواره‌های تئوریک از **شرع و عرف، سنت و مدرنیته** می‌باشد. همین امر یعنی ادعای سازگاری شرع و عرف، توسعه و سنت اسلامی توسط مشروطه خواهان، سبب پشتیبانی علما از آن شد. با از میان رفتن دشمن مشترک و هژمون شدن گفتمان مشروطیت، دیری نپایید که این گفتمان در اثر رویارویی با واقعیت‌های اجتماعی و اختلافت بنیادین بر سر حدود و معانی نشانه‌هایی چون **آزادی، قانون، برابری و مجلس**، «غیری» را در درون خود به نام مشروطه خواهان پروراند.

افول مشروطیت

گفتمان مشروطه نه تنها نتوانست وعده‌های خود را عملی سازد و پیشرفت و عدالت را در پی داشته باشد که بر نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های جامعه افزود. وقایع و حوادث پس از مشروطه نظیر اعدام «**شیخ فضل الله نوری**»، ترور «**بهبهانی**»، مرگ مشکوک «**آخوند خراسانی**» و... همه و همه سبب شد، مفهوم مشروطه، که زمانی مجاهدان مشروطه خواه بر سر آن جان می‌بخشند، همدیف **قتل و غارت و هرج و مرج** به کار رود

[۱۹] کاتوزیان، محمد علی همایون، دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۸۶.

و عالمان دینی که بارها بر **وجوب** آن تاکید کرده بودند و مخالفت با آن را مخالفت با **امام زمان (عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)** به شمار می‌آوردند، رغبتی حتی به شنیدن نام مشروطه از خود نشان نمی‌دادند.

[۲۰] حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷.

طبیعی است که در این شرایط نابسامان، فکر تغییر اوج گیرد و نظریه‌ها و **اسطوره‌های جدیدی** برای راهی از آشفتگی ظهور کنند. گفتمان پهلویسم توانست با استفاده از ناتوانی مشروطیت در برخورد با بی‌قراری‌های موجود در جامعه، خود را به عنوان گفتمان مسلط تثبیت کند و مشروطیت را به حاشیه براند.

پاتویس

۱. ↑ **حسینی زاده**، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۰.

۲. ↑ **حسینی زاده**، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۳. ↑ **حسینی زاده**، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۱.

۴. ↑ **حسینی زاده**، محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، دانشگاه مفید، تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۹.

۵. ↑ فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹.

۶. ↑ مجد الاسلام، احمد، تاریخ انحطاط مجلس، مقدمه و تحشیه، ترجمه محمود خلیل پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۶، ص ۲۳.

۷. ↑ فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲.

۸. ↑ فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹.

۹. ↑ کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۵۹.

۱۰. [↑](#) سیاح، محمد علی، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۵۹۰.
۱۱. [↑](#) فوران، جان، مقاومت شکننده، ترجمه احمد ندین، موسسه فرهنگی رسا، چ ۴، ۱۳۸۲، ص ۲۶۹-۲۷۰.
۱۲. [↑](#) کاتوزیان، محمد علی همایون، دولت و جامعه در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹، ص ۸۶.
۱۳. [↑](#) حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۶۷.

منبع

[سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «مشروطیت»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۵/۰۱/۲۳](#)

رده‌های این صفحه: [اندیشه سیاسی](#) | [تاریخ سیاسی ایران](#) | [جنبش های ایران](#) | [جنبش های عصر قاجار](#) | [مقالات پژوهه](#) | [نهضت مشروطه](#)